نام مقاله: تحلیل جامعهشناختی دستیابی به فرصتهای آموزش عالی در ایران (آزمونهای سراسری)

نویسنده: محمد تو کل ،نسرین سالم غلامعباس توسلی

منبع: دانشنامهٔ علوم اجتماعی دورهٔ ۱شمارهٔ ۳ بهار ۱۳۸۹





• موضوع این مقاله، بررسی نابرابری (تفاوت پذیری) در دستیابی به فرصتهای آموزش عالی است. منظور از دستیابی به فرصتهای آموزشی، دسترسی به آموزش عالی در بخش دولتی است. نویسندگان این مقاله دستیابی به فرصتهای آموزشی را با معرقهٔ های نمره آزمون ورودی دانشگاهها و پذیرفته میزان شدگان بر حسب استانهای کشور مطالعه کرده اند.

سوال اصلى تحقيق

• سؤال اصلی تحقیق این است: نابرابری در دستیابی فرصت به های آموزش عالی چگونه قابل تبیین

است؟



رهیافت ستیز گرایی و نظریه بوردیو

• چارچوب نظری پژوهش با استفاده از رهیافت ستیز گرایی و نظریهٔ بوردیو ساخته شده است. در مدل ارائه شده، دستیابی به فرصتهای آموزشی تابع سرمایه های اقتصادی و فرهنگی است. نتایج تحقیق نشان می دهد در دستیابی به فرصتهای آموزشی، تأثیر سرمایهٔ فرهنگی بیشتر والدین از سرمایهٔ اقتصادی آنان است.



• واژه های کلیدی: تحلیل جامعه شناختی، فرصتهای آموزش عالی، آزمون سراسری.



طرح مسئله

موضوع این مقاله، بررسی وضعیت دستیابی به فرصتهای آموزش عالی در ایران است. نویسندگان و وضعیت دستیابی به فرصتهای آموزش عالی را با میانگین نمره های پذیرفته شدگان و درصد پذیرفته شدگان آزمون سراسری در سالهای ۱۳۸۴–۱۳۸۱بر حسب استانهای کشور مطالعه کرده اند. دستیابی به فرصتهای آموزش عالی در شرایطی مطلوب است که توزیع نمره های ترازشدهٔ پذیرفته شدگان دانشگاهها دراطراف میانگین حداقل باشد ادعای مقاله این است که نابرابری و تفاوتپذیری در میانگین نمره های پذیرفته شدگان و تعداد پذیرفته شدگان حداکثر است. در اثبات این مدعا میتوان شواهد زیر را ارائه کرد

جدول ۱ آمارههای توصیفی نمرههای پذیرفته شدگان

نمرهٔ آزمون	تعداد پذیرفته	دامنة تغييرات	پايين ترين نمره	بالاترين نمره	میانگین	انحراف استاندارد
1771	TAPTO	۸۹۵۹/ ۰۰	7401/	17411/	ATTO/ A - AF	901/07707
1777	٥٤٥٨۶	۷۸۷۶/ ۰۰	4091/	17494/	AYA9/01.9	940/45014
1444	۵۸۲۱۶	1.048/	****/	14414/	AVYY/ YV88	1144/4014
1474	۶۵۶۷۸	1.4.4/	4114/	12017/	1054/14.1	1141/12.40
کل	747457	1.4.0/	T114/	14414/	1410/ + 514	1.47/77141

(اسناد رسمی سازمان سنجش آموزش کشور)

چارچوب نظری

یکی از نظریه های رویکرد ستیزگرایی، بازتولید اجتماعی است. نظریهٔ بازتولید اجتماعی، سرمایهٔ اقتصادی را اساس نابرابری و عامل مهمی در بازتولید اجتماعی میداند. این نظریه را برنستاین ،بوردیو و باولز، که همگی از جامعه شناسان مارکسیست و نئومارکسیست هستند، مطرح کرده اند. آنان معتقدند نابرابریهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و مدرسه در این انتقال نقش مهمی دارد. در واقع تجربه های به دست آمده از مدرسه به حفظ تفاوتهای اجتماعی در اقتصادی میان خانواده کمک می کند بر اساس این نظریه، ویژگیهای ساختار اجتماعی در دورههای زمانی حفظ و دائمی می شوند

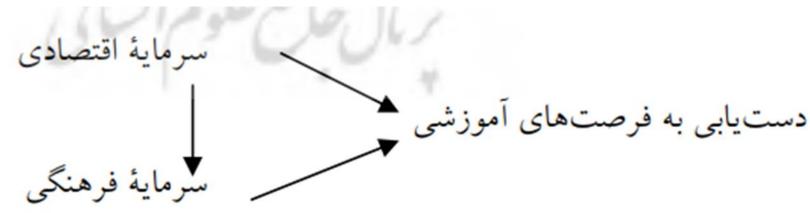
• یکی دیگر از نظریه های رویکرد ستیزگرایی، بازتولید فرهنگی است. این نظریه را افرادی مانند برنشتاین، بوردیو، دو گلاس، ملوین کوهن و هایمن مطرح کرده اند. نظریهٔ بازتولید فرهنگی از تحلیل ماکس وبر دربارهٔ نقش و جایگاه گروهها منزلتی متأثر در جوامع است. مفهوم بازتولید فرهنگی به وسایلی اشاره دارد که به کمک آنها مدارس بر یادگیری ارزشها، نگرشها و عادتها تأثیر میگذارد. شیوههای رفتار و گفتار کودکانی که از زمینههای اجتماعی و خانوادگی طبقهٔ پایین برخاستهاند، به ویژه کودکان گروههای اقلیت، با شیوه های گفتار و رفتار مسلط در مدرسه در تضاد است.

در این پژوهش، از میان صاحبنظران بازتولید اجتماعی و فرهنگی، بوردیو را انتخاب و نظریهٔ او را بررسی کرده ایم دلیل گزینش بوردیو این است که در نظریهٔ او هم عناصر بازتولید اجتماعی و هم عناصر مفهومی بازتولید فرهنگی آمده است. بوردیو برخلاف مارکس، که طبقه را نظامی از حقوق مادی میداند، برداشت پیچیده ای از طبقه دارد که انواع سرمایه: سرمایهٔ اجتماعی ،سرمایهٔ فرهنگی و سرمایهٔ اقتصادی را دربرمیگیرد.



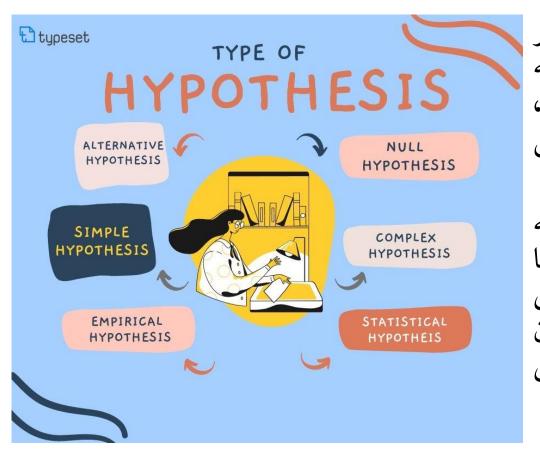
ویژگی بارز سرمایهٔ فرهنگی بوردیو، تحلیل سازوکار موفقیتهای تحصیلی با توجه به میزان برخورداری گروهها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانشآموزانی که سرمایهٔ فرهنگی بیشتری دارند (دانش آموزان خانواده هایی که مهارتها و برتری های فرهنگی مسلط در اختیار دارند) قواعد بازی را رمزگشایی میکنند و بهتر میتوانند مهارتها و برتریهای فرهنگی را که در مدارس پاداش میگیرند، در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می توانند به مراتب بالای تحصیلی برسند. براساس این، طبقات مسلط در مقایسه با دیگر طبقات از سرمایهٔ فرهنگی سهم بیشتری میبرند؛ بنابراین بیشتر میتوانند این نوع سرمایه را در اختیار فرزندانشان بگذارند. با افزایش سرمایهٔ فرهنگی نیزفرزندان افزایش مییابد

• اکنون با الهام از نظریهٔ بوردیو میتوان دستگاه نظری متناسب با مسئلهٔ مقاله را فرموله کرد و تبیین نظری تفاو تپذیری در دستیابی فرصت به های آموزش عالی را ارائه نمود. درواقع دستگاه نظری مقاله در چارچوب رهیافت ستیزگرایی بر نظریهٔ طبقهٔ بوردیو بنا نهاده شده و ساختار منطقی آن به صورت زیر است:





از چارچوب نظری این مقاله دو فرضیه برآمده است:



- در فرضیهٔ اول دستیابی فرصت به های آموزشی در ایران با سرمایهٔ اقتصادی والدین هم تغییری دارد؛ به گونه ای که هرچه میزان سرمایهٔ اقتصادی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دستیابی به فرصتهای آموزش عالی نیز بیشتر میشود.

- فرضیهٔ دوم بر این اساس بنا نهاده شده است که دستیابی فرصت به آموزش های عالی در ایران با سرمایهٔ فرهنگی والدین هم تغییری دارد؛ به گونهای که هرچه میزان سرمایهٔ فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دستیابی به فرصت های آموزش های عالی نیز بیشتر می شود.

چارچوب روش شناختی

در این قسمت مفاهیم فرضیه ها تعریف، و نحوهٔ سنجش آنها مشخص شده است.

دستیابی به فرصتهای آموزشی: منظور از دستیابی به فرصتهای آموزش عالی، دسترسی به دانشگاه است. دسترسی به فرصتهای آموزشی با معرف های تجربی درصد و پذیرفته شدگان میانگین نمره آزمون ورودیهٔ دانشگاهها اندازه گیری شده است.

• سرمایهٔ اقتصادی: منظور از سرمایهٔ اقتصادی، سرمایهٔ مبتنی بر درآمد مالی و منابع مالی و دارایی است. معرفه تجربی سرمایهٔ اقتصادی، درآمد والدین پذیرفته شدگان و پذیرفته نشدگان آزمون سراسری است.



CULTURAL CAPITAL

DEFINITION OF CULTURAL CAPITAL

Non-financial social assets that promote social mobility beyond economic means, such as education, intellect, style of speech, dress, and even physical appearance. سرمایهٔ فرهنگی: سرمایهٔ فرهنگی مهارتهای غیررسمی بین اشخاص مانند سبک زندگی و وضعیت تحصیلی است که طی فرایند جامعهپذیری به دست می آید. سرمایهٔ فرهنگی ممکن است به سه شکل وجود داشته باشد: درونی شده، عینی و نهادینه شده. از اینجا بعد سرمایهٔ فرهنگی نهادینه شده بررسی شده است.

مفهوم سرمایهٔ فرهنگی نهادینه شده با معرفه های تجربی سواد والدین و معدل دبیرستان پذیرفته شدگان اندازه گیری شده است. روش گردآوری دادههای این پژوهش، اسنادی است و با مراجعه به اسناد موجود در سازمان سنجش آموزش کشور، داده های مناسب جمع آوری شده است.

روش تحلیل تجربی نیز کمی است و از روشهای آماری مانند درصد، نرخ، میانگین و تحلیل رگرسیون استفاده شده است

جامعهٔ آماری مقاله، کل پذیرفته شدگان دورهٔ کارشناسی و روزانهٔ آزمونهای سراسری سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ست. از داوطلبان پذیرفته نشده به عنوان گروه کنترل بر حسب ضرورت استفاده شده است. واحدهای تحلیل نیز استان و سال است

یافته ها

در این بخش راه حل نظری ارائه شده در چارچوب نظری، با استدلال تجربی ارزیابی شده است. به عبارت دیگر، گزاره های فرضیه های علمی از طریق گزاره های مشاهده ای، در پرتو استدلال تجربی مورد آزمون تجربی واقع شده است. پیش از آزمون فرضیه ها، تأثیر عامل جنسیت بر متغیر وابسته یعنی نمر آزمون بررسی شده است.

در جدول شماره دو توزیع میانگین نمره ها در بین قبولشدگان و مردودی ها با وارد کردن عامل جنسیت نشان داده شده است. تأثیر عامل جنسیت در تفاوت میانگین نمرههای آزمون پذیرفتهشدگان و مردودیها توجه قابل است. در سالهای مورد بررسی میانگین نمرههای پذیرفتهشدگان زن بیشتر است؛ درحالی که در این سالها میانگین نمرههای آزمون مردودیهای زن نسبت به مردودیهای مرد در سطح بالاتری قرار دارد. مقایسهٔ سالهای آزمون نشان میدهد میانگین نمرهٔ آزمون در سال ۱۳۸۳ نسبت به سالهای دیگر بالاتر است و سال ۱۳۸۴ در مرتبهٔ بعدی قرار دارد

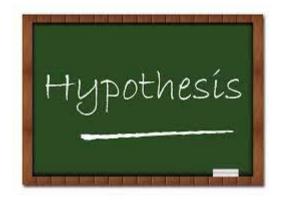
شواهد مربوط به تعداد پذیرفته شدگان در استان ها بر آن دلالت دارد که در سال ۱۳۸۱ استانهای یزد، قم، خراسان، اصفهان و فارس بهترتیب با ۷۱، ۵۸، ۵۷، ۵۱ و ۵۱ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر شرکت کننده، دارای بیشترین تعداد پذیرفته شده است. کمترین پذیرفته شدگان نیز به استانهای هرمزگان، لرستان و اردبیل با ۲۰، ۲۰ و ۲۰ نفر مربوط است. دامنهٔ تغییرات درصد پذیرفته شدگان از ۲۰ نفر در استان هرمزگان تا ۷۱ نفر در استان یزد متغیر است. استان تهران با تعداد یذیر فته شدهٔ ٤٤ نفر در حد وسط این دامنه قرار دارد. در سال ۱۳۸۲ استان های پزد، خراسان، قم، کردستان، فارس و اصفهان بـهترتیب بـا ۷۷، ۵۸، ۵۵، ۵۲، ۵۱ و ۵۱ نفـر در هـر ۱۰۰۰ شرکت کننده، دارای بیشترین پذیرفته شده هستند. کمترین تعداد پذیرفته شده با ۲۰ نفر نیز در استان هرمزگان است. دامنهٔ تغییرات در سال ۱۳۸۲ از ۲۰ نفر در استان هرمزگان تا ۷۷ نفر در استان یزد متغیر است. در سال ۱۳۸۳ استانهای یزد و خراسان به تر تیب با ۸۵ و ۱۲ نفر در هر ۱۰۰۰ شرکت کننده دارای بیشترین پذیرفته شده، و استان هرمزگان با ۲۲ نفر دارای کمترین پذیرفته شده است. در سال ۱۳۸۶ استان های یزد، خراسان و کردستان به ترتیب با ۱۰۱، ۷۰ و ۱۸ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر دارای بیشترین پذیرفتهشده است. کمترین تعداد پذیرفتهشده در استان هرمزگان نیز ۲۳ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر است (سالم، ۱۳۸۵). بر اساس آنچه گفته شد، درصد پذیرفته شدگان نیز از حداکثر تفاوت پذیری برخوردار است.

جدول ۲ توزیع نمرهٔ آزمون بر حسب وضعیت پذیرش از سال ۱۳۸۱–۱۳۸۶

جنسيت							
مرد	زن	سال آزمون					
نمرة أزمون	نمرة أزمون						
میانگین	ميانگين						
A4VA/4.	AYAV/ 94	قبولي	وضعيت قبولي	1841			
4980/ D1	۵۱۹۱/۹۰	عدم قبولي	ومدیت مبوعی				
۸۳۷۲/ ۰۸	A77A/ 7 7	قبولي		1747			
4991/04	0181/14	عدم قبولي	وضعيت قبولى				
AV44/44	۸۷۰۵/۸۱	قبولى	وضعيت قبولى	١٣٨٣			
971/.	01AV/ YY	عدم قبولي					
۸۵۸۵/ ۰۴	۸۵۵۵/۶۵	قبولى	وضعيت قبولي	1444			
4444/14	0144/14	عدم قبولي	35. 5.25				

داوری در باب فرضیهٔ اول

فرضیهٔ اول به این صورت بیان شده بود که دستیابی فرصت به های آموزشی در ایران با سرمایهٔ اقتصادی همراه است .. معرفه های تجربی آن نیز درآمد والدین پذیرفته شدگان و پذیرفته نشدگان در آزمون ورودی دانشگاههاست. بر اساس آنچه پیشتر گفته شد، دستیابی به فرصتهای آموزشی با مع فر های میانگین نمرهٔ آزمون ورودی و درصد پذیرفته شدگان و سرمایهٔ اقتصادی در آمد والدین با مورد سنجش قرار گرفته است. رابطهٔ متغیر در آمد والدین را با امکان دستیابی/ عدم دستیابی به فرصتهای آموزش عالی با شاخصهای آماری درصد و نمودار بررسی کرده ایم.



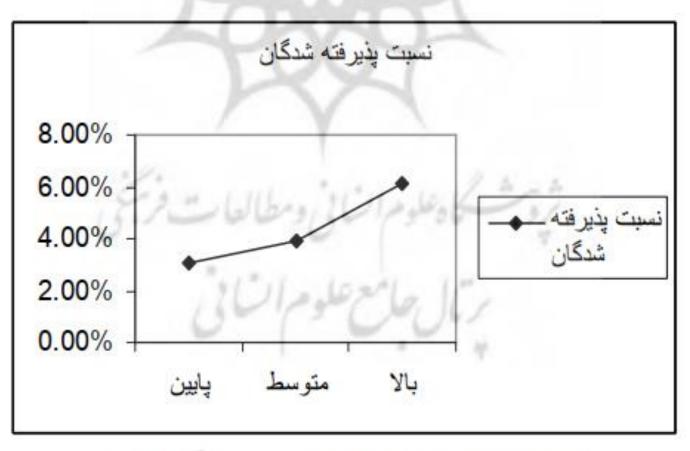
جدول ۳ توزیع در آمد والدین بر حسب وضعیت پذیرش

	عدم قبولي		قبولي		در آمد والدين
جمع	فراواني	درصد	فراواني	درصد	
114541.	111.2.0	98/9	461.0	۳/۱	پایین
1888645	184.14.	۹۶/۱	۶۶۳۵۵	۳/ ۹	متوسط
14.9484	18.0549	94/9	1.4814	۶/۱	بالا
454444	4442144	90/0	Y+8+VA	4/0	جمع

• توزیع در آمد والدین در جدول شماره سه نشان میدهد هرچه در آمد والدین بالاتر باشد، میزان پذیرفتهشدگان بیشتر نیز میشود. شواهد گویای آن است زمانیکه در آمد والدین به عنوان معرف تجربی سرمایهٔ اقتصادی پایین است، نسبت قبولی نیز پایین میآید؛ اما با افزایش سرمایهٔ اقتصادی نسبت قبولی نیز افزایش مییابد؛ به این معنا که تغییرات متغیر سرمایهٔ اقتصادی با تغییرات نسبت پذیرفته ،شدگان تابع الگوی تغییرمنظم است

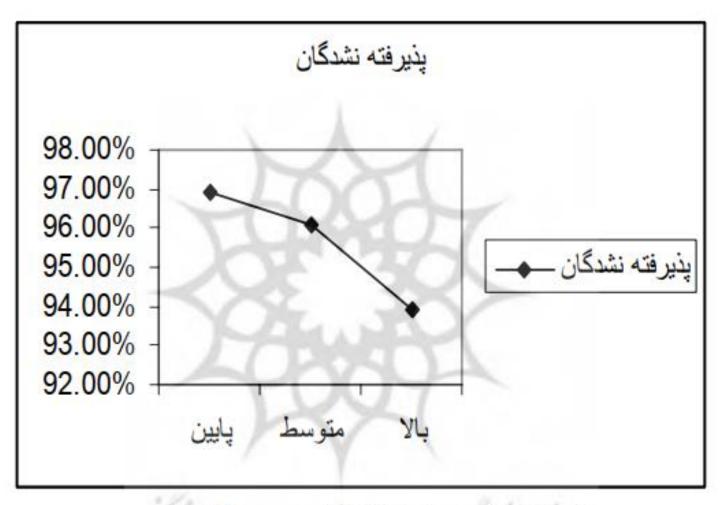
جدول ۳ توزیع در آمد والدین بر حسب وضعیت پذیرش

	عدم قبولي		قبولى		درآمد والدين
جمع	فراواني	درصد	فراواني	درصد	
114841.	111.2.0	98/9	451.0	۳/۱	پایین
1818240	184.14.	98/1	۶۶۳۵۵	٣/٩	متوسط
14.9784	18.0849	94/9	1.4814	۶/۱	بالا
404444	4442144	۹۵/۵	Y + 5 + VA	4/0	جمع



نمودار ۱ وضعیت پذیرفته شدگان برحسب درآمد والدین

• سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است: آیا میتوان به این یافتهٔ آماری اعتماد کرد؟ در پاسخ به این ،سؤال میزان مردودیهای آزمونهای سالهای مورد مطالعه را وارد تحلیل کرد ، هر رابطه به دست آمده را کنترل می کنیم. شواهد نشان می دهد زمانی که سرمایهٔ اقتصادی پایین است، نسبت مردودشده ها در مقایسه با طبقهٔ مرفه، بالاست به این معنا که با افزایش سرمایهٔ اقتصادی احتمال مردودی در میان فرزندان دارای سرمایهٔ اقتصادی بالا کاهش می یابد. در اینجا نیز شاهد یک الگوی تغییرمنظم هستیم.



نمودار ۲ وضعیت پذیرفتهنشدگان برحسب درآمد والدین

• نمرهٔ آزمون ورود به دانشگاه یکی دیگر از معرف های تجربی دستیابی به فرصتهای آموزش عالی است و رابطهٔ آن با در آمد والدین با استفاده از تکنیک رگرسیون بررسی شده است

جدول ٤ رگرسيون درآمد والدين بر نمرهٔ آزمون ورود به دانشگاه

ضرايب	سال آزمون						
	1871	١٣٨٢	١٣٨٣	177.8	کل		
R	37.	.۲۵۳	.۲٥٦.	.707.	.۲۷٦.		
R Square	•00.	٤٢٠.	٠٦٦.	۳۲٠.	.•٧٦		
F	۶۲۷۲ _۰ ۲۰	19.7. ٧٧	۸۰۷۳. ۳۲	77 .8100	٠٠٠١. ٢٠٠١		
Sig	•••	.***	.•••		.•••		
(Constant)	7£ .VV4+	7707.70	۰۲۰۸ ۲۰	۸۷۲۷, ۸۳	777. 777		
В	٤٠٠٤	٤٠٠.	۰۰۰۳	٤٠٠.	٤٠٠.		

یافته های آزمون تجربی نشان می دهد ضریب همبستگی نمرهٔ آزمون ورود به دانشگاه در سال ۱۳۸۱ با متوسط درآمد والدین ۲۶ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۰۰/ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر نمرهٔ آزمون ورود به دانشگاه که با متغیر متوسط درآمد والدین تبیین شده، به اندازه ۰۰/ و واریانس باقی مانده ۹۵ درصد است. نسبت ۲ معنادار بودن ایس رابطه را تأیید می کند.

(متوسط درآمد والدين) Y=٣٤ .٧٧٩٠+/٠٠٤

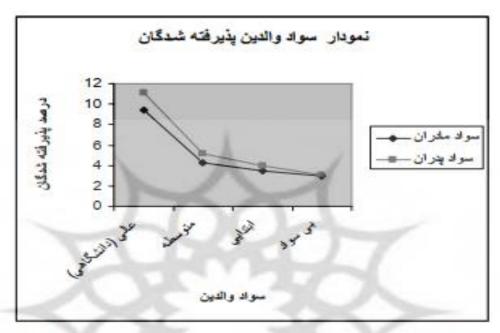
• داوری در باب فرضیه دوم دستیابی فرصت به های آموزش عالی در ایران با سرمایهٔ فرهنگی همراه است؛ به گونهای که هرچه میزان سرمایهٔ فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دستیابی به فرصتهای آموزش عالی نیز بیشتر میشود. براساس تعریف عملیاتی، مفهوم سرمایهٔ فرهنگی با بعد سرمایهٔ فرهنگی نهادینه شده اندازه گیری شده است و معرف های تجربی ،آن سواد والدین و معدل دبیرستان پذیرفتهشدگان است. رابطهٔ متغیر سواد والدین را با امکان دستیابی/ عدم دستیابی به فرصتهای آموزش عالی از طریق شاخصهای آماری درصد و نمودار بررسی کرده ایم



جدول ٥ توزيع تحصيلات والدين با وضعيت پذيرش

نشدگان	تحصيلات والدين			
مادران	پدران	مادران	پدران	
AA/ 9	4./5	11/1	4/4	(دانشگاهی) عالی
94/1	90/V	0/1/0	*/*	متوسطه
99/ •	98/0	*/•	۳/۵	ابتدایی
45/4	94/ •	۲/۱	۲/ ۰	بىسواد
90/4	90/4	4/9	*/5	جمع

شواهد نشان می دهد زمانی که سرمایهٔ فرهنگی (با معرف تجربی سواد والدین) پایین است، نسبت قبولی نیز کم است؛ اما با افزایش آن، نسبت قبولی نیز بالا می رود. ایس رابطه در تمام سالهای مورد مطالعه صادق است؛ به این معنا که تغییرات معرف تجربی سرمایهٔ فرهنگی با نسبت تغییرات پذیرفته شدگان تابع یک الگوی تغییر منظم است. این الگوی تغییر از نوع خطی است. نمودار شماره سه گواه این ادعاست.



نمودار ۳ رابطهٔ سواد والدین با درصد پذیرفته شدگان

جدول ٦ رگرسيون معدل دبيرستان بر نمرهٔ آزمون بر حسب استان

	استان محل اخذ ديپلم					
В	Constant	Sig.	F	R Square	R	β-4.2-2- O-2-0-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-2-
71A/877	****/ ***	<i> </i> ····	70A/079	/144	1418	اردبيل
1.1/410	۵۱۳۴/۲۵۰	/	1089/ • 47	/101	/44.	أذربايجان شرقى
194/481	2114/124	/···	949/54.	/188	/*•*	أذربايجان غربي
7AT/ATV	4884/ A88	/	444V/ 148	/ *10	/ 484	اصفهان
101/11	۵۵۷۲/ ۲۳۶	/	444/ DVA	/17-	/448	ايلام
174/114	۵۵۳۰/۷۱۵	/•••	1 • 1 1 / 194	/ 144	/474	كرمانشاه

در جمعبندی میتوان گفت در نظام آموزش عالی ایران میان معدل دبیرستان و میزان موفقیت در دستیابی به فرصتهای آموزش عالی به اندازه ۴۵درصد هم تغییری وجود دارد؛ به یعنی اندازهٔ ۴۵درصد با این گزارهٔ نظری سازگار است »: دستیابی فرصت به های آموزش عالی ایران در با سرمایهٔ فرهنگی همراه است؛ به گونهای که هرچه میزان سرمایهٔ فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دستیابی به فرصت عالیی آموزشها نیز بیشتر می شود «



نتیجه گیری

• بر مبنای شواهد و دادهها، سرمایهٔ اقتصادی به اندازهٔ ۲۷ درصد با متغیر دستیابی به فرصتهای آموزشی همتغییری دارد. به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در متغیر سرمایهٔ اقتصادی (متوسط در آمد والدین) ۰٬۰۰۴ واحد تغییر در متغیر دستیابی به فرصتهای آموزشی قابل تخمین است. این استدلال تجربی نمودار آن است که گزارههای نظری فرضیهٔ اول با واقعیت سازگاری ضعیفی دارد؛ به این معنا که سرمایهٔ اقتصادی عامل مهمی در تبیین تحقیق مسئلهٔ این نیست.

•

بر اساس شواهدی که ارائه شد میتوان چنین داوری کرد که تغییرات سرمایهٔ فرهنگی نهادینه شده (سواد والدین) با تغییرات میزان دستیابی به فرصتهای آموزش عالی تابع یک نوع الگوی تغییر خطی است که در آن با افزایش سطح سواد والدین، میزان پذیرفته شدگان نیز افزایش یافته است. معرق تجربی دیگر سرمایهٔ فرهنگی نهادینهشده، معدل دبیرستان افراد مورد بررسی است. شواهد نشان میدهد معدل دبیرستان به اندازه ۴۶ درصد با متغیر دستیابی به فرصتهای آموزشی)نمرهٔ آزمون ورودی دانشگاه ها هم تغییری دارد. این دادههای تجربی گویای آن است که گزاره ای تجربی به مقدار زیادی با فرضیهٔ مقاله سازگار است.

بر اساس نتایج پژوهش، در دستیابی به فرصتهای آموزشی در بخش آموزش عالی ایران، سهم و وزن سرمایهٔ فرهنگی بیشتر از سرمایهٔ اقتصادی است. سواد والدین و معدل دبیرستان افراد نیز به عنوان معرف های سرمایهٔ فرهنگی هستند